

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Rationale of Criminal Liability Arising from Ta'dib and Ta'zir with a Perspective on the Criminal Laws of Iran and Egypt

Meysam Teymoorkia¹, Heydar Ali Jahanbakhshi^{*2}, Mahdi Esmaeili³

1. Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. Department of Law, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

3. Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: jahanbakhshi@iau.ac.ir

ABSTRACT

The present research examines the jurisprudential and legal foundations of criminal liability arising from ta'dib (disciplinary punishment) and ta'zir (discretionary punishment) within the legal frameworks of Iran and Egypt. The primary objective of this study is to conduct a comparative analysis of criminal liabilities related to ta'dib and ta'zir, investigate the relevant jurisprudential principles and rules, and assess the legal challenges arising from this issue in the two aforementioned legal systems. The significance of this topic lies in its impact on human rights and the preservation of human dignity within judicial and educational processes. Ta'dib and ta'zir, as corrective and disciplinary measures, may lead to criminal liabilities that require thorough and comprehensive examination. The research methodology of this study is descriptive-analytical, based on a review of library resources and scholarly articles. The collected data include current laws of Iran and Egypt, judicial rulings, and the opinions of legal scholars and researchers in this field. The findings of this research indicate that the attribution of criminal liability for ta'dib and ta'zir in both legal systems exhibits both similarities and differences. Furthermore, jurisprudential foundations play a significant role in shaping the legal and ethical frameworks of criminal liabilities. In conclusion, this study proposes practical solutions to improve oversight in the administration of justice and mitigate the negative consequences of ta'dib and ta'zir, emphasizing the necessity of revising existing laws. In both Iran and Egypt, domestic disciplinary actions by parents do not entail criminal liability under current law, yet a reform of the penal codes in both countries appears essential in this regard.

Keywords: Criminal liability, ta'dib, ta'zir, Iranian laws, Egyptian laws.

How to cite: Teymoorkia, M., Jahanbakhshi, H. A., & Esmaeili, M. (2025). The Rationale of Criminal Liability Arising from Ta'dib and Ta'zir with a Perspective on the Criminal Laws of Iran and Egypt. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(1), 1-21.



تاریخ ارسال: ۱ اسفند ۱۴۰۳
 تاریخ بازنگری: ۱۴ فروردین ۱۴۰۴
 تاریخ پذیرش: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چرایی مسئولیت کیفری ناشی از تأدیب و تعزیر با نگرشی به حقوق کیفری ایران و

مصر

میثم تیموری کیا^۱، حیدرعلی جهان بخشی^۲، مهدی اسماعیلی^۳

۱. گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام شهر، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: jahanbakhshi@iau.ac.ir

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از تأدیب و تعزیر در چارچوب قوانین ایران و مصر پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل تطبیقی مسئولیت‌های کیفری مرتبط با تأدیب و تعزیر، بررسی اصول و قواعد فقهی مرتبط، و بررسی چالش‌های قانونی ناشی از این موضوع در دو نظام حقوقی مذکور می‌باشد. اهمیت این موضوع به دلیل تأثیر آن بر حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی در فرآیند قضائی و تربیتی بسیار بالاست. تأدیب و تعزیر، به عنوان روش‌های آموزشی و اصلاحی، ممکن است به مسئولیت‌های کیفری منتهی شوند که نیازمند بررسی دقیق و جامع می‌باشند. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعه منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی است. داده‌های جمع‌آوری شده شامل قوانین فعلی ایران و مصر، آراء و نظریات حقوق‌دانان و پژوهشگران در این حوزه است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تخصیص مسئولیت کیفری برای تأدیب و تعزیر در هر دو نظام حقوقی از وجوه اشتراک و افتراقی برخوردار است. به علاوه، مبانی فقهی تأثیر بسزایی در تعیین چارچوب‌های قانونی و اخلاقی مسئولیت‌های کیفری ایفا می‌کنند. در پایان، این پژوهش به ارائه راهکارهای عملی جهت بهبود نظارت بر اجرای عدالت و کاهش آثار منفی ناشی از تأدیب و تعزیر پرداخته و ضرورت بازنگری در قوانین موجود را مورد تأکید قرار می‌دهد. در هر دو کشور ایران و مصر تأدیب در منزل و توسط والدین، به طور قانونی مسئولیت کیفری به همراه ندارد و اصلاح قوانین جزایی دو کشور در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژگان: مسئولیت کیفری، تأدیب، تعزیر، قوانین ایران، قوانین مصر.

نحوه استناددهی: تیموری کیا، میثم، جهان بخشی، حیدرعلی، و اسماعیلی، مهدی. (۱۴۰۴). چرایی مسئولیت کیفری ناشی از تأدیب و تعزیر با نگرشی به حقوق کیفری ایران و مصر. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۱)، ۱-۲۱.



وجود دارد: تعامل، ادغام و استقلال. در ایران، قانون اساسی بر انطباق قوانین با مبانی شرع تأکید دارد و قوانین بر پایه اصول اسلامی استوارند، هرچند که در مصر این روند در گذشته قوی‌تر بوده و نظام حقوقی بیشتر بر پایه فقه اهل سنت، به ویژه مذهب شافعی، و نیز حقوق غربی، به‌خصوص فرانسوی، توسعه یافته است. در ادامه، تفاوت‌های اساسی بین نظام حقوقی ایران و مصر در حوزه فقه و قوانین کیفری آشکار می‌شود؛ ایران بیشتر متأثر از فقه جعفری (شیعه) بوده و نظام کیفری آن بر مبنای این فقه طراحی شده، در حالی که مصر بر پایه فقه سنی استوار است و تأثیرات قابل توجهی از حقوق غرب دارد (Faraj Al-Sidda, 1997).

در نظام حقوقی ایران، مجازات‌ها و عناوین بزه‌کاری بر پایه مبانی آیات قرآن و سنت شکل گرفته است و شامل حدود، قصاص و دیات می‌شود. در کنار این مبانی، اصول حقوق جزای مدرن نیز مورد استفاده قرار گرفته و مجازات‌ها و رویه‌ها ممکن است با استانداردهای بین‌المللی هم‌سویی داشته باشند (Goldouzian, 2022b).

مطابق بند ۱۵۸ ماده ۱۳۹۲، اقدامات والدین، اولیای قانونی و سرپرستان در راستای تأدیب و حفاظت از کودکان و مجانین، در صورت منجر شدن به آسیب‌های جسمانی مانند تورم یا تغییر رنگ پوست، منجر به پرداخت دیه می‌شود؛ و این نشان‌دهنده مسئولیت کیفری تأدیب‌کننده است، خصوصاً در مواردی که تأدیب منجر به جنایات شدیدتری مانند قتل گردد (Goldouzian, 2022a).

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ دامنه این وظایف را توسعه داده و رفتارهای تأدیبی که ممکن است جرم تلقی شوند را مشخص و مسئولیت کیفری تأدیب‌کنندگان را محدود نموده است. در مصر نیز اصل تأدیب والدین مورد تأیید است و تأدیب رافع مسئولیت کیفری است، هر چند روند اصلاحی در جهت کاهش چنین اختیاراتی است (Shahaneh & Seyyed, 2003).

در هر دو کشور، نگرانی‌هایی درباره

تأدیب، دارای دو معنا است، یکی به عنوان آموزش و تربیت، که در روایات از حقوق فرزندان بر والدین شمرده شده و مورد تأکید قرار گرفته است (هادی گشایش، ۱۳۹۵: ۱۱)، و دیگری به عنوان مجازات و کیفر، که در فقه تعزیر نامیده می‌شود و از اختیارات حاکم شرع است. تأدیب در چارچوب شرعی، در صورت فراهم بودن شرایط، مشروع، جایز و در برخی موارد واجب است؛ ولی باید در حد لازم و مطابق با شرایط خاص هر فرد انجام شود و از افراط و زائد بر حد شرعی پرهیز گردد (Najafi, 1988).

در فقه، تأدیب شامل مواردی چون تربیت کودک، تنبیه زن ناشزه و کنترل حالات مجانین است، که نوع و میزان آن متفاوت است و بر قصد اصلاح تأکید دارد (Khomeini, 2020). هرچند در برخی موارد، تنبیه بدنی در خانه یا مراکز آموزشی مجاز است، مشروط بر اینکه منجر به جراحت یا دیه نشود (Khomeini, 2020).

با وجود این، تأدیب و تعزیر در فقه، هرچند مجاز هستند، مسئولیت کیفری شخص تنبیه‌کننده در صورت تجاوز از حدود مقرر، باقی است. یعنی اگر تأدیب منجر به آسیب یا مرگ شود، فرد مسئول باید دیه یا ارش بپردازد (Sabzevari, 1991).

در نتیجه، بین مجاز بودن تأدیب و مسئولیت کیفری آن، تعارضی وجود ندارد، بلکه حدود و شرایط تأدیب نقش اصلی در مشروعیت و سلامت آن ایفا می‌کند. در فقه، در صورت آسیب‌رسانی تأدیب زن، شوهر ضامن است (Najafi, 1988)، هرچند برخی بین ولی کودک و شوهر تفاوت قائل شده و ولی را ضامن ندانسته‌اند؛ اما اکثر فقها بر ثبوت ضمان در این موارد تأکید دارند و ادعای اجماع در این زمینه وجود دارد (Najafi, 1988).

مسئولیت ناشی از تأدیب شامل حیوانات نیز می‌باشد؛ یعنی فردی که برای تربیت حیوان اجیر شده، در حد متعارف می‌تواند حیوان را بزند، ولی در صورت وارد آمدن آسیب یا تلف شدن حیوان، ضامن است (Najafi, 1988).

در حوزه نظام‌های حقوقی و فقهی، سه مدل متفاوت

دامنه و ضابطه تأدیب وجود دارد، خصوصاً درباره مفهوم والدین، اولیاء و سرپرستان، و مواردی که می‌توانند اقدام به تأدیب کنند. بر اساس مبانی فقهی و حقوقی، اقدامات باید متعادل و در حدّ متعارف باشد، به‌طوری که آثار فیزیکی نظیر سرخی صورت قابل قبول است، ولی عمل بیش از حد، مانند زدن یک سیلی که باعث آسیب جدی یا تغییر رنگ دائمی شود، مجرمانه بوده و مسئولیت کیفری در پی دارد. در ایران، بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، بر رعایت حدود شرعی در تأدیب تأکید دارد، هرچند در عمل، تعیین حدود شرعی در مورد کودک و مجنون، چالش‌هایی دارد، چرا که کوچک‌ترین آسیب فیزیکی ممکن است منجر به دیه شود و اقدامات والدین را به مسئولیت کیفری متصل کند (Goldouzian, 2022a). این تحقیق به دنبال شناخت مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از تأیّب و تعزیر است که در دو بخش این مبانی را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

مبانی فقهی و عرفی

مسئولیت کیفری ناشی از تأدیب و تعزیر، مقوله‌ای پیچیده است که در فقه اسلامی و حقوق کیفری اهمیت دارد و با تحولات اجتماعی، نظرات متفاوتی درباره مشروعیت آن مطرح شده است. تأدیب و تعزیر به‌عنوان ابزارهای اصلاح هنجارها در چارچوب شرعی باید مسئولانه و مطابق قانون انجام شوند. در جوامع اسلامی مانند ایران و مصر، رویه غالب این است که مرتکبان این اقدامات تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند، اما این تصور نادرست است، چون فقه اسلامی بر این تأکید دارد که هر عملی که حقوق دیگران را نقض کند، مستحق مجازات و پاسخگویی است.

مسئولیت کیفری به استناد قاعده فقهی نفی ظلم

در دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت، هرگونه عمل غیرمنصفانه و ظالمانه منافی با اصول اولیه عدالت و انصاف است. این موضوع در فقه اهل سنت نیز مورد پذیرش قرار گرفته است و هرگونه ظلم نفی شده است (Tarbiati, 2011). تأدیب و تعزیر، در صورتی که

به‌درستی و با هدف اصلاحی انجام نشود، می‌تواند به ستم و آزار شخص منتهی گردد و نه تنها اثر مثبت نخواهد داشت، بلکه ممکن است موجب تشدید مشکلات و آسیب‌های روحی و روانی فرد شود. از این‌رو، فقه اسلامی (امامیه و عامه) با شفافیت تمام، هرگونه رفتار ظالمانه و غیرموجه را نفی می‌کند. این دیدگاه، به‌ویژه در مواردی که تأدیب و تعزیر به صورت افراطی یا غیرمنصفانه اعمال می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی که بر اساس آن برای تأدیب‌کننده و تعزیرکننده، مسئولیت کیفری مقرر می‌شود، این است که تأدیب و تعزیر در مواردی یک رفتار ظالمانه تلقی می‌شود. در بررسی مفاهیم "ظلم" و "عدالت"، به‌نظر می‌رسد که این دو اصطلاح دو وجه از یک حقیقت انسانی و اجتماعی را بازتاب می‌دهند. در این راستا، رابطه‌ای تنگاتنگ میان این دو مفهوم به‌وجود می‌آید، چنان‌که زمینه‌ساز بحث‌های عمیق فقهی و حقوقی در مورد تأدیب و تعزیر می‌شود. به‌عنوان عملی که به‌نحوی موجب تضییع حقوق انسان‌ها می‌گردد، بر اساس معنا و مصادیق خود، می‌تواند در چهارچوب‌های مختلفی تعریف و توصیف شود (Saramy, 2020). بر همین اساس، تأدیب و تعزیر، در صورتی که مستند به موازین حقوقی و فقهی نباشند، به‌سادگی ممکن است به مصداق ظلم بدل شوند. از این‌رو، تأمل و بررسی دقیق در زمینه شرایط و ضوابط تأدیب، ضروری می‌نماید. به‌طور کلی، مفهوم عدل به‌عنوان استاندارد برای سنجش رفتارها و اعمال ما در روابط میان انسان‌ها به حساب می‌آید. در این راستا، عدالت در تأدیب و تعزیر می‌تواند به این معنا باشد که اقداماتی که در جهت اصلاح رفتار انجام می‌شود، باید بر اساس شواهد و دلایل منطقی باشد و هرگونه فضولی یا بی‌عدالتی در این امر، می‌تواند به تبعات منفی و مصداق‌های ظلم منجر شود. از منظر فقهی، تأدیب و تعزیر باید با توجه به مبانی اسلامی و اخلاقی انجام شود. در این راستا، عدم تناسب در مجازات و عدم رعایت شرایط انسانی، به‌ویژه در رابطه با افرادی

(Yathib, 2008). این قاعده، به‌ویژه در مسئولیت کیفری و دیه، اهمیت فراوان دارد و نشان می‌دهد که جان مسلمانان نباید به سادگی ضایع شود یا مورد تعرض قرار گیرد. به‌طور ضمنی، حق حیات و کرامت انسانی مسلمانان از اصول کلیدی اسلام است و هیچ‌کس حق ندارد بدون دلیل شرعی به جان دیگری تعرض کند (Hurr Ameli, 1989). این قاعده که گاهی به «دم المسلم لایذهب هدرًا» نیز تعبیر می‌شود، بر پایه روایاتی است که بیان می‌دارد هرگاه کسی به ناحق خون مسلمانی را بریزد، قصاص می‌شود و در صورت نبود امکان قصاص، دیه پرداخت می‌گردد، زیرا خون مسلمان باطل نمی‌شود. قاعده «لَا يَبْطُلُ دَمُ أَمْرٍ مُسْلِمٍ» در فقه نقش مهمی در مسئولیت کیفری و تأدیب دارد. در حوزه تربیت، والدین باید از اعمال خشونت و آزار جسمی پرهیز کرده و تأدیب محبت‌آمیز و مبتنی بر اخلاق و اصول دینی را توصیه می‌کنند، تا به سلامت روح و جسم فرزندان آسیب نرسانند (Yathib, 2008). همچنین در نظام قضایی، اگر قاضی یا مأمور اجرای دستور، به دلیل زیاده‌روی منجر به قتل فردی شود، مسئولیت قانونی دارد. و حتی در صورتی که این اقدام عمدی یا ناشی از سوءمدیریت باشد، می‌تواند به عنوان قتل عمد یا شبه‌عمد مطرح و مجازات شود.

مسئولیت کیفری بر مبنای قاعده اقامه الحدود الی من الیه الحکم
قاعده «اقامه الحدود» بر وظیفه حاکم اسلامی در اجرای مجازات‌ها تأکید دارد و می‌گوید اجرای حدود وظیفه کسی است که داوری و فیصله میان مردم را بر عهده دارد (Hurr Ameli, 1989). در این قاعده، مسئولیت اجرای حدود و تأدیب‌ها بر عهده حاکم و مقامات رسمی است که باید با علم و آگاهی عمل کرده، مصالح عمومی و حق فردی را رعایت کنند. هر فرد غیرحاکم که اقدامی خارج از حدود قانونی انجام دهد و حقوق دیگران را ضایع کند، مسئولیت کیفری دارد و باید پاسخگو باشد، زیرا اجرای مجازات باید تحت نظارت و با رعایت اصول قانونی صورت گیرد. بنابراین،

که توانایی دفاع از خود را ندارند، می‌تواند به عنوان ظلم تلقی شود (Ali-Akbaryan, 2016). در بررسی این مفاهیم، نباید فراموش کرد که مصادیق ظلم و بحث عدالت در زمینه تأدیب و تعزیر می‌تواند دچار ابهامات و نظرات مختلف شود. در فقه اسلامی، تأدیب و تنبیه کودک حق والدین و معلمان است که برای تربیت و هدایت کودک استفاده می‌شود، اما نباید به ظلم و تجاوز منجر شود (Tarbiati, 2011). اگر تنبیه ناعادلانه، بر اساس خشم، آسیب‌رسان یا ناهمسان با نوع خطای کودک باشد، این عمل نقض قاعده نفی ظلم است و حق مؤثر والدین یا معلم از بین می‌رود. تأدیب باید مبتنی بر مصلحت و اصول علمی باشد و هرگونه تنبیه خشونت‌آمیز یا آسیب‌زننده، ظلم تلقی می‌شود. عدم آگاهی و خارج شدن از حدود شرعی نیز باعث سلب حق تأدیب می‌شود. هدف نهایی رشد شخصیت سالم کودک در محیطی عادلانه است. قاعده نفی ظلم در فقه اسلامی از اصول مهم است که در روابط زوجین نیز نقش اساسی دارد (Saramy, 2020). بر اساس این قاعده، اگر زوج به همسر خود ظلم کند یا او را مورد خشونت قرار دهد، حق تمکین زوجه زایل می‌شود و او می‌تواند از اطاعت سر باز زند و در برابر ظلم، از حقوق خود دفاع کند. در فقه برخی متون به تنبیه زوجه اشاره دارند (Najafi Tavana, 2021)، اما اصل نفی ظلم نشان می‌دهد که هیچ فردی، به‌ویژه همسران، حق کتک زدن دیگری را ندارند، مگر در موارد بسیار محدود و با هدف اصلاح (Foroutan et al., 2020). هرگونه خشونت بی‌ضابطه، ناعادلانه و غیراخلاقی، ظلم محسوب می‌شود و منجر به مسئولیت کیفری زوج می‌شود. بنابراین، اصل نفی ظلم، حق اعمال خشونت و کتک زدن را از بین می‌برد و در صورت ارتکاب خشونت، مسئولیت کیفری فرد مطرح می‌شود.

مسئولیت کیفری بر مبنای قاعده حرمت خون

قاعده «عدم بطلان خون مسلمان» یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی است که بر مشروعیت و حفاظت جان مسلمانان تأکید دارد

اجرای مجازات‌ها نقش و وظیفه حاکم است، اما در صورت نقض این اصول، مسئولیت کیفری فرد خاطی مطرح می‌شود.

مسئولیت کیفری بر مبنای قاعده ضمان

قاعده «الضمان» مسئولیت فرد نسبت به اعمال بوده و نتایج آن یکی از اصول پایه‌ای فقه است که بر جبران خسارت و مسئولیت کیفری تأکید دارد (Najafi Tavana, 2021). در زمینه تأدیب و تعزیر، این قاعده نشان می‌دهد که اگر تأدیب‌کننده در کیفیت یا کمیت تأدیب، زیاده‌روی کند و موجب آسیب، جرح یا تلف شود، مسئولیت جبران خسارت بر عهده او است و باید دیه یا خسارت مربوطه را پرداخت کند، چون اصل بر عدم تجاوز و رعایت حقوق فردی است. در این راستا شیخ طوسی و فقهای دیگر تأکید کرده‌اند که تأدیب تنها در صورت سالم ماندن فرد و عدم آسیب جسمی و روانی جایز است (Najafi Tavana, 2005). بر این اساس، هر اقدام نادرست و خارج از ضابطه‌ای که منجر به آسیب شود، مسئولیت کیفری و مالی دارد و تأدیب‌کنندگان باید با دقت و رعایت موازین شرعی عمل کنند. در نظام حقوقی اسلام، در صورت وقوع آسیب یا قتل ناشی از تأدیب، حق مجنی‌علیه در دریافت دیه و تعقیب کیفری محفوظ و قاضی مجاز است بر اساس روایات و قوانین شرعی، دیه را تعیین و حکم به مجازات مجرم دهد.

ممنوعیت تعزیر در گناهان صغیره

در متون فقهی، اصولاً تعزیر برای گناهان صغیره جایز نیست و تنها در موارد گناهان کبیره است که می‌توان مجازات و تنبیه در نظر گرفت (Najafi Tavana, 2021). اگر کسی اقدام به تعزیر برای گناهان صغیره کند، این عمل مخالف موازین شرعی است و ممکن است مسئولیت کیفری و قانونی برای او در پی داشته باشد، از جمله اتهام قضاوت نادرست یا ایجاد آسیب‌های روانی و اجتماعی به دیگران. بنابراین، رعایت این اصل در نظام حقوقی و شرعی از اهمیت بالایی برخوردار است.

حمایت از تمامیت جسمانی در فقه

در فقه اسلامی، حمایت از تمامیت جسمانی افراد به‌ویژه کودکان بسیار مهم است و هرگونه تعرض از جمله ضرب و جرح بدون مجوز شرعی ممنوع است. فقهای بسیاری، از جمله محقق حلی و آیت‌الله خوئی، بر این نکته تأکید دارند که آسیب‌رسانی به جسم انسان، حتی در اثر تأدیب، باید با پرداخت دیه جبران شود و هرگونه تجاوزی مجازات قانونی دارد. دیه برای آسیب‌های جسمی و ظاهری مانند تغییر رنگ پوست یا جراحات‌های کوچک، نشان‌گر حساسیت فقهای اسلام نسبت به حقوق جسمانی افراد است که باید محترم شمرده شود. بنابراین، حمایت کامل از حقوق جسمانی کودکان و جلوگیری از هرگونه آسیب و تعرض از وظایف والدین و سرپرستان است که در صورت تخطی به مجازات‌های قانونی منجر می‌شود.

دشواری در رعایت حدود شرعی تأدیب

تأدیب از منظر فقهی به معنای اصلاح و تربیت افراد است که در شرایط خاصی مجاز شناخته می‌شود. در فقه اسلامی، تأدیب باید در چهارچوب حدود شرعی انجام شود. این حدود شامل رعایت حقوق انسان‌ها، پرهیز از هرگونه خشونت و آزار، و همچنین نیت اصلاحی در فرایند تأدیب است. از آنجا که تأدیب در برخی موارد مجاز است، اگر تأدیب‌کننده از این حدود فراتر رود و به حقوق فرد آسیب بزند، به لحاظ فقهی و همچنین بر اساس قوانین ممکن است به عنوان مجرم شناخته شود و مسئولیت کیفری داشته باشد. در واقع، تأدیب بدون رعایت این حدود می‌تواند تبعات قانونی و شرعی به همراه داشته باشد. لذا لازم است تأدیب‌کنندگان نسبت به اصول و قواعد فقهی آگاه بوده و همواره در پی حفظ حقوق و کرامت افراد باشند. در موارد متعددی تأدیب طفل منجر به کتک زدن شدید طفل می‌شود که با حقوق شرعی کودک و تربیت نوین در تعارض است (Aghaeinia & Ebrahim, 2003). فقه موافق است که صاحب حق تأدیب، پدر و معلم است و همچنین

بین‌المللی محکوم هستند و به تدریج جای خود را به روش‌های انسانی، غیرخشونت‌آمیز، تخصصی و آموزنده می‌دهند.

مبانی حقوقی

در نظام‌های حقوقی ایران و مصر، مبانی قانونی مشخصی برای مسئولیت کیفری در تأدیبات و تعزیر وجود دارد که بر رعایت حقوق فردی و جلوگیری از خشونت تأکید می‌کنند. قوانین جزایی هر دو کشور تصریح می‌کنند اقدامات تأدیبی باید در چارچوب معین و با رعایت حقوق انسانی انجام شود و قوانین حمایتی جدید، بر لزوم حفظ حقوق کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر تأکید دارند، و مسئولیت کیفری در این زمینه را روشن می‌سازند. این قوانین همچنین قوانین بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک را مدنظر قرار داده و مرزهای مشخصی برای اعمال تأدیبات تعریف می‌کنند، تا خشونت و سوءاستفاده قابل قبول نباشد.

مبانی حقوقی داخلی

در نظام‌های حقوقی ایران و مصر، حق تأدیبات و تعزیر برای تربیت افراد در خانواده، مدرسه و جامعه وجود دارد، اما این حق هیچ‌گاه مسئولیت کیفری را نفی نمی‌کند. مبانی حقوقی تأکید دارند که در تأدیبات باید حقوق فردی و انسانی رعایت شود و در صورت نقض این حقوق، مسئولیت کیفری اعمال می‌شود. قوانین جزایی و مقررات حمایتی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، رویکرد قوی‌تری در این زمینه اتخاذ کرده‌اند.

مبانی حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از تأدیبات و تعزیر در ایران
در قوانین جمهوری اسلامی ایران، به مسئله حقوق کودکان و منع خشونت، در قانون اساسی و قوانین جزایی به‌وضوح تأکید شده است. این قوانین برای ایجاد محیطی امن و حمایتگر طراحی شده‌اند و به مسئولیت کیفری کسانی که از روش‌های خشونت‌آمیز در تأدیبات استفاده کنند، تأکید می‌کنند. "قانون حمایت از کودکان و نوجوانان" بر تأمین امنیت و رفاه آنان تأکید دارد و هر اقدام تأدیبی منجر به آسیب را محکوم می‌کند. در نتیجه، تأدیبات بدنی و

موافق است که مفهومی گسترده‌تری به عنوان "پدر" و "معلم" بدهد. (Abbasi-Kalimani, 2023)؛ با این حال رعایت حدود شرعی توسط پدر و معلم و سایر اشخاص دیگری که متولی تأدیبات محسوب می‌شوند، به سختی امکان‌پذیر است. رعایت حدود شرعی در تأدیبات کودکان به ویژه توسط پدران، معلمان و سایر اشخاص متولی تأدیبات، می‌تواند با چالش‌های قابل توجهی مواجه شود. چندین عامل فقهی و اجتماعی می‌تواند به دشواری رعایت این حدود در تنبیه کودکان منجر شود.

اصل عدم جواز تنبیه بدنی

از دیدگاه فقه اسلامی و مبانی حقوق انسانی، تنبیه بدنی در فرآیند تربیت و تأدیبات ممنوع است و هیچ حکم قطعی و صریح از شرع برای جواز آن وجود ندارد (Dolati, 2024). آیات قرآن، به ویژه سوره حج و مائده، بر حرمت ظلم و تعدی تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که هرگونه خشونت جسمی به نام تأدیبات مورد نباید صورت پذیرد. اصول اخلاقی و انسانی در اسلام، بر احترام کرامت و سلامت جسم و روح افراد تأکید دارند و هرگونه تخطی از این مبانی، به مسئولیت کیفری منتهی می‌شود. بنابراین، اصل عدم جواز تنبیه بدنی قاعده‌ای مهم و بنیادی در نظام تربیتی و حقوقی است که بر رعایت احترام و حقوق افراد تأکید دارد.

مبانی عرفی مسئولیت کیفری ناشی از تأدیبات و تعزیر

در جوامع ایران و مصر، نقش عرف در تعیین مسئولیت کیفری ناشی از تأدیبات و تعزیر، امروزه تحت تأثیر روندهای تغییر فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است. از یک سو، عرف به عنوان شاخصی برای تعیین رفتارهای جامعه و میزان پذیرش آن در موارد تأدیبات و تربیت کودک عمل می‌کند، در حالی که از سوی دیگر، قوانین هر دو کشور، به‌ویژه در قوانین اصلاح شده، روندی رو به رشد در ممنوعیت تنبیه‌های خشن روحی و بدنی دارند. در بسیاری موارد، عرف سنتی ممکن است رفتارهای خشونت‌آمیز را در تربیت کودک، عادی فرض کند، اما این رویه‌ها در سطح قانونی و

شیوه‌های خشن در تربیت کودکان و دیگر افراد، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و مجازات دارند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در نظام حقوقی ایران، بر اساس اصول اسلامی و قانون اساسی، مسئولیت کیفری افرادی که در روابط تأدیبی منجر به آسیب جسمانی می‌شوند، مشخص است. اصل بیست و دوم تأکید دارد که هیچ فردی نباید بدون مجوز قانون، به جان و حقوق دیگران تعرض کند، و هر تجاوزی به حقوق جسمانی می‌تواند مسئولیت کیفری ایجاد کند (Hashemi, 2017). اعمال خشونت در تأدیب، (برخلاف هدف تربیتی بوده) مشروع نیست و باید در چهارچوب قانون انجام گیرد. اصل سی و ششم می‌گوید مجازات باید تنها از طریق دادگاه صالح و بر اساس قانون باشد، و اصل سی و هفتم نیز بر براءت فرد تا اثبات جرم در دادگاه تأکید دارد، بنابراین هرگونه اقدام خارج از این ضوابط غیرقانونی است (جوان‌آراسته و ملک‌افضلی، ۱۳۹۹، ۴۵). در نتیجه، مسئولیت کیفری کسانی که در زمینه تأدیب و تعزیر مرتکب آسیب می‌شوند، باید طبق مدارک معتبر و در دادگاه صالح بررسی شود. اصل براءت، حق دفاع و وکیل در فرآیند دادرسی را تضمین می‌کند، و هرگونه اتهام بدون مدارک مستدل و در چهارچوب قانون، قابل قبول نیست (Amid Zanjani, 2019). در اصل سی و هفتم، مجازات باید در قالب فرآیند عادلانه و با رعایت اصول دادرسی انجام شود، و دادگاه‌ها باید بر اساس شواهد و مدارک، بدون قضاوت‌های شخصی حکم دهند. این اصول حفاظت از حقوق انسانی و جلوگیری از اعمال ناعدالتی، نموده و اعتماد عمومی به سیستم قضایی را تقویت می‌کند و از رفتارهای ناعادلانه در فرآیند تأدیب جلوگیری می‌نماید. بر اساس اصل چهل و یکم قانون اساسی ایران، هیچ‌کس نباید حق خود را وسیله اضرار به دیگران یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. این اصل تأکید می‌کند که حق تأدیب و تعزیر نباید منجر به نقض حقوق فردی و اجتماعی دیگران شود، و هر اقدامی در

این زمینه باید در چارچوب قوانین و نهادهای صالح انجام گیرد. بخشندگی یا نیت خیر نمی‌تواند توجیهی برای آسیب به دیگران باشد، زیرا این عمل برخلاف اصول حقوق بشر و اخلاقیات اجتماعی است و امنیت و سلامت جامعه را تهدید می‌کند. بنابراین، هرگونه تجاوز جسمانی یا حقوقی در قالب تأدیب، باید در دادگاه صالح و بر اساس مدارک و شواهد معتبر بررسی شده و مطابق مقررات قانونی انجام گیرد، و از سوءاستفاده از حقوق و تمایلات فردی جلوگیری نماید. بر اساس اصل سی و هشتم قانون اساسی ایران، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است و هر اقدام به آسیب جسمانی در قالب تأدیب باید در قالب اعمال غیرقانونی و مسئولیت‌برانگیز تلقی شود (Hashemi, 2017). تأدیب باید راهکار اصلاح رفتار و بدون خشونت باشد، و هرگونه خشونت و شکنجه تحت هر عنوانی، از جمله تأدیب، غیرقانونی است و پیگرد قانونی دارد. این اصل تأکید می‌کند که هیچ توجیهی مانند مشکلات اجتماعی نمی‌تواند اعمال خشونت‌آمیز و شکنجه‌آمیز را مشروع کند و هرگونه آسیب جسمانی باید به‌عنوان شکنجه شناخته شده و مجازات گردد. رعایت این اصل موجب تقویت اعتماد عمومی و رعایت حقوق بشر در نظام قضایی و اجتماعی می‌شود.

قانون مجازات اسلامی

بر اساس ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی، هرگونه اقدام تأدیب‌آمیز که منجر به آسیب جسمانی یا جنایات بر نفس و اعضای فرد شود، در صورت اثبات، می‌تواند مسئولیت کیفری داشته باشد (ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی). این ماده رفتارهای عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض در جنایات را تفکیک می‌کند و نشان می‌دهد که هر اقدام تأدیب نادرست، به‌ویژه آن‌هایی که منجر به آسیب جسمانی می‌شوند، باید در چهارچوب این قانونی مورد ارزیابی قرار گیرد (Mir-Mohammad Sadeghi, 2021).

(Tavana, 2021). تأدیب‌کننده‌ای که به‌طور عمدی و با قصد آسیب زدن به فرد، اقدام به عمل زشت می‌کند، مشمول این ماده خواهد شد و ممکن است با درخواست خانواده قربانی، به قصاص محکوم شود. اگر دادگاه به این نتیجه برسد که اقدام تأدیب‌کننده منجر به قتل فرد شده است، و ولی دم درخواست قصاص داشته باشد، وی ممکن است به مجازات قصاص محکوم شود. اگر ولی دم از قصاص صرف‌نظر کند یا در صورتی که شاکی وجود نداشته باشد، تأدیب‌کننده بر اساس ماده ۶۱۲ به حبس از سه تا ده سال محکوم گردد. این ماده به‌وضوح بیان می‌کند که در موقعیت‌هایی که اقدام تأدیب‌کننده موجب اخلاف در نظم و امنیت جامعه شود، دادگاه می‌تواند حکم حبس صادر کند.

ماده ۳۸۶ نیز به مجازات جرح عمدی بر عضو اشاره دارد و بیان می‌کند که در صورت تقاضای مجنی‌علیه یا ولی او و وجود شرایط قانونی، مجازات قصاص اعمال می‌شود، در غیر این صورت، دیه و تعزیر در نظر گرفته خواهد شد (Saki, 2022). این ماده مسئولیت کیفری تأدیب‌کننده را در مواردی که اقدام شبه‌عمدی منجر به آسیب شود، مشخص می‌کند. در موارد آسیب به اعضای بدن، اگر مجنی‌علیه درخواست قصاص کند، مجازات تأدیب‌کننده به قصاص منتهی می‌شود؛ ولی در غیر این صورت، تأدیب‌کننده موظف به پرداخت دیه است (Aghaeinia & Ebrahim, 2003). طبق ماده ۴۵۰ قانون اخیرالذکر در موارد جنایات شبه‌عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز نیست، دیه به درخواست مجنی‌علیه یا ولی دم پرداخت می‌شود. در صورتی که بطور تصادفی و بدون قصد، آسیب به فردی وارد شود، تأدیب‌کننده ممکن است تحت این ماده قرار گیرد و موظف به پرداخت دیه باشد. دیه میزان مال مشخص و معینی است که برای جنایت‌های غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت در شرع تعبیه شده است (Aghaeinia & Ebrahim, 2003). مشاهده می‌شود که قانونگذار به‌صراحت مسئولیت کیفری ناشی از جنایاتی

اعمال خشونت و تنبیه فیزیکی در کودکان، همسران، مجانین و کارگران، هرچند در برخی فرهنگ‌ها معمول تلقی می‌شود، اما در قوانین جزایی ایران جرم محسوب شده و مسئولیت کیفری دارند. بنابراین، هر فردی که از روش‌های غیرمعمول و خشونت‌آمیز برای تأدیب بهره‌برداری کند، ممکن است تحت پیگرد قرار گیرد و به مجازات‌های قانونی محکوم شود، زیرا این اقدامات در تضاد با اصول حقوق بشر، منافع عمومی و قانون مجازات اسلامی است. در نتیجه، قوانین موجود به‌خصوص ماده ۲۸۹، مسئولیت کیفری مرتکبان سوءاستفاده و خشونت در فرایند تأدیب و تعزیر را تأکید می‌کند و وظیفه نهادهای قضایی است که براساس مدارک و شواهد، این جرائم را بررسی و مجازات کنند (Mir-Mohammad Sadeghi, 2021).

اگر تأدیب‌کننده با علم و اراده قصد آسیب زدن به فرد را داشته باشد، این عمل می‌تواند جنایت عمدی محسوب شود. در مواردی که قصد آزار نباشد ولی به دلیل عدم احتیاط منجر به جرح شود، جنایت شبه‌عمدی است (Goldouzian, 2022a). همچنین، اگر عمل تأدیبی به‌طور تصادفی و بدون قصد صورت گیرد، خطای محض است (Pourbafrani, 2022; Pourbafrani & Kamran, 2022). تأدیب‌کننده باید به عواقب کار خود توجه کند، زیرا هر رفتار آسیب‌زننده می‌تواند مسئولیت کیفری و مجازات به همراه داشته باشد.

مفاهیم و اقسام جنایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌خوبی تبیین شده است. به‌طور کلی، جنایت‌ها به سه دسته "عمدی"، "شبه‌عمدی" و "خطای محض" تقسیم می‌شوند. هر یک از این اقسام جنایات، دارای عواقب و مسئولیت‌های قانونی خاص خود می‌باشند. طبق ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی، مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود شرایط مقرر، قصاص خواهد بود، در غیر این صورت، مجازات آن مطابق با مواد دیگر قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد (Najafi

که در راستای تأدیب وارد می‌شود، مشخص کرده است و این مبنای حقوقی مهمی در زمینه مسئولیت کیفری در این موارد است. توهین به‌عنوان یکی از روش‌های مجرمانه تأدیب، در بسیاری موارد در روابط خانوادگی و زناشویی رایج است. این رفتار، برخلاف هدف اصلاح و تربیت، اثرات منفی شدیدی بر روان فرد توهین‌شونده دارد و نمی‌تواند مبنای اصلاحی داشته باشد. قانون مجازات اسلامی، با ماده ۶۰۸، مجازات‌هایی مانند شلاق تا ۷۴ ضربه یا جریمه نقدی را برای کسانی که به توهین الفاظ رکیک و فحاشی می‌پردازند، تعیین کرده است (Rezvani, 2010). مشخص است که توهین در هر حالتی، به‌ویژه در تأدیب، غیراصلاحی و غیرشرعی است و فرد مرتکب باید با پیامدهای قانونی آن روبه‌رو شود، زیرا این روش مغایر با اصول تربیتی و تاکیدات اسلامی است. قذف، که به معنای نسبت دادن زنا یا لواط به فرد دیگر است، عنوان مجرمانه‌ای است که در رفتارهای تأدیبی به کار می‌رود، اما اثرات کیفری و اجتماعی شدیدی دارد. بر اساس ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی، قذف می‌تواند شامل نسبت دادن این اعمال حتی به افراد مرده باشد و باید روشن و بدون ابهام باشد (Nemroodi & Khosrobigi, 2024). مجازات حد قذف، هشتاد ضربه شلاق است، البته فقط در صورتی که شرایط لازم مانند بالغ بودن و عاقل بودن مقدوف برقرار باشد؛ در غیر این صورت، قاذف به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود (ماده ۲۵۰ و ۲۵۱). استفاده از الفاظ غیرمستقیم نیز ممکن است با حکم قضایی مورد تعقیب قرار گیرد و مجازات داشته باشد. همچنین، هرگونه استفاده از قذف به‌عنوان روشی برای تأدیب، ناپسند و خطرناک است، چون ممکن است عواقب کیفری و حقوقی جدی در پی داشته باشد، و فرد باید آگاه باشد که نیت و قصد او در این نوع اتهام‌زنی نقش مستقیم دارد.

"حبس"، به‌عنوان یک روش تأدیبی، در اغلب جوامع و برای کنترل رفتارهای ناپسند مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در مواردی

می‌تواند به‌عنوان عمل مجرمانه شناسایی شود. والدین، مراکز نگهداری کودکان، مراکز نگهداری مجانین و معلولین ممکن است در قالب‌های مختلف از حبس برای مدیریت رفتارهای نادرست بهره‌مند شوند (Sarlak, 2023). با این حال، زمانی که حبس به‌طور غیرقانونی، غیرموجه یا بیش از حد مجاز انجام گیرد، ممکن است به عنوان سوءاستفاده یا نقض حقوق فرد تلقی شود. برای نمونه، استفاده طولانی‌مدت والدین از حبس برای تنبیه فرزندان، که منجر به محروم کردن کودک از فعالیت‌های روزمره و حقوق اولیه او می‌شود، در قالب "حبس غیرقانونی" یا "سوءاستفاده" قرار می‌گیرد و عواقب حقوقی در پی دارد. در مراکز نگهداری، استفاده از حبس باید با رعایت اصول و قوانین خاص باشد و هرگونه سوءاستفاده یا حبس بدون ضابطه، نقض حقوق انسانی و کودک است. در مراکز نگهداری مجانین، حبس طولانی یا غیرضروری افراد مبتلا به اختلالات روانی، به‌ویژه در صورت سوءاستفاده یا بهره‌برداری، می‌تواند به‌عنوان جرم و نقض حقوق بشر تلقی شود. همچنین، در مورد معلولان، حبس به دلیل نقص جسمی یا ذهنی، در صورت استفاده بدون نیاز واقعی، می‌تواند نشان‌دهنده تبعیض و سوءاستفاده باشد. در تمام موارد، حبس زمانی به‌عنوان جرم محسوب می‌شود که حقوق شخص نقض و صدمات جسمی و روانی وارده، بیشتر از حد لازم و با اهداف غیرقانونی باشند. لذا رعایت اصول انسانی و حقوق بشر لازم است تا از هرگونه تخلف و مجازات غیرقانونی جلوگیری شود. ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی، به بزه حبس غیرقانونی اشاره دارد و هدف آن حمایت از حقوق فردی و حفظ آزادی‌های قانونی است. بر اساس این ماده، هر شخص، اعم از مقامات، مأموران دولتی یا نیروهای نظامی، که بدون حکم مقامات صلاحیت‌دار اقدام به توقیف یا حبس افراد کند، مرتکب جرم شده و مستحق مجازات است (Ahmadi-Moghaddam, 2018). مجازات‌های این جرم شامل حبس از یک تا سه سال و جزای نقدی بین شش تا هجده میلیون ریال است

می‌تواند عواقب کیفری جدی داشته باشد. در صورت فوت کودک یا نوجوان ناشی از بی‌توجهی، فرد مقصر به حبس درجه پنج محکوم می‌شود؛ و در صورت بروز آسیب‌های جسمی، روانی یا ناتوانی‌های دائم، مجازات به مراتب کاهش می‌یابد، و با مواردی مانند نقص عضو، بیماری‌های صعب‌العلاج و جراحات‌های مهم روبرو می‌شود. همچنین، در صورت بی‌توجهی والدین و سرپرستان در مواردی که منجر به پروسه‌های آسیب‌زا می‌شود، آن‌ها نیز ممکن است مجازات‌های مشابه را تحمل کنند. هدف این قانون، ایجاد مسئولیت کیفری جدی برای تأدیب‌کنندگان است تا از آسیب‌های جسمی و روانی کودکان جلوگیری شود و ایمنی و سلامت آنان حفظ گردد.

از سوی دیگر، بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و نوجوانان برای تنبیه یا دیگر اهداف مالی و اقتصادی غیرقانونی است و جرم تلقی می‌شود. طبق ماده ۱۵ قانون حمایت، هر اقدام بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان، چه در قالب کارهای طاقت‌فرسا یا فعالیت‌های غیرقانونی، با مجازات‌های سنگین مواجه است و والدین یا سرپرستانی که این نوع بهره‌کشی را مرتکب شوند، مسئولیت کیفری دارند. این قوانین تأکید دارند که استفاده نادرست و بهره‌کشی اقتصادی از کودکان، غیرقانونی و ممنوع است و باید با مجازات‌های مربوط، مقابله شود.

ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در حوزه نگهداری و سرپرستی کودکان، نوجوانان، مجانین و معلولان، موسسات و اشخاص حقوقی متعددی مانند سازمان‌های بهزیستی، موسسات خیریه، مراکز آموزشی و تربیتی، مراکز مراقبت و درمانی و مراکز قضائی و اصلاحی مسئولیت‌های گوناگونی دارند. با وجود نقش مهم این موسسات، گاهی در قالب تأدیب، ممکن است اقدامات غیرقانونی مانند کودک‌آزاری، آزار روانی، حبس غیرقانونی، تنبیه بدنی و عدم توجه به نیازهای اولیه رخ دهد

(Teymouri, 2017). اقدامات غیرقانونی در زمینه تأدیب، مانند حبس یا توقیف بدون مجوز قانونی، حتی اگر با هدف اصلاح رفتار باشد، مصداق نقض حقوق اساسی فرد است و مسئولان مربوطه باید پاسخگو باشند.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ایران با هدف حفاظت و ترویج حقوق کودکان و نوجوانان وضع شده است. این قانون بر مسئولیت کیفری افرادی که از روش‌های تأدیبی نادرست مانند ضرب و جرح، حبس، تهدید یا سوءاستفاده جنسی برای تربیت و هدایت کودک استفاده می‌کنند، تأکید دارد (Omidi & Omidi, 2023). استفاده غیرقانونی و ناسالم از این روش‌ها نه تنها به سلامت جسمی و روانی کودکان آسیب می‌رساند، بلکه مرتکبین را با عواقب قانونی و مجازات‌های کیفری روبه‌رو می‌کند. در این قانون، رفتارهایی مانند ممانعت غیرموجه از تحصیل کودکان جرم شناخته شده و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است (Molaei-Onji, 2024). مثلاً، عدم ثبت‌نام یا جلوگیری از تحصیل کودک به جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود، و در صورت تکرار یا عدم اجرای حکم، مجازات آن به درجه شش تقلیل می‌یابد. همچنین، این قانون بر اهمیت فراهم کردن امکانات تحصیل برای کودکان تأکید می‌کند و هرگونه کوتاهی در انجام وظایف والدین، اولیاء یا سرپرستان در این زمینه را جرم و مجازات می‌کند (Abbasi-Kalimani, 2023; Dolati, 2024). بر این اساس، ممانعت از تحصیل و سایر روش‌های تأدیب ناسالم، نه تنها حقوق فردی کودکان را نقض می‌کند بلکه با پیامدهای قانونی جدی نیز روبه‌رو است. هدف از این مقررات، حمایت موثر و عملی از حقوق اساسی کودکان و تضمین روند رشد و تحصیلات سالم آن‌ها است.

بر اساس ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، سهل‌انگاری و بی‌توجهی تأدیب‌کننده در هنگام تربیت کودک

که مسئولیت کیفری آن‌ها را الزامی می‌سازد. بر اساس قانون، هرگونه آسیب جسمی یا روانی ناشی از بی‌توجهی یا تنبیه نادرست، می‌تواند منجر به مجازات‌های حبس از درجه‌های مختلف شود. در نظام حقوقی ایران، به ویژه با تصویب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، مسئولیت حقوقی و کیفری موسسات و اشخاص حقوقی در قبال چنین رفتارهای غیرقانونی به رسمیت شناخته شده است. این قانون، موسسات و نهادهای مرتبط با تربیت و اصلاح را مسئول می‌داند و در صورت وقوع تخلفات، آن‌ها را تحت تعقیب کیفری قرار می‌دهد، به گونه‌ای که حتی موسسات به‌عنوان اشخاص حقوقی می‌توانند مجازات شوند، بدون آنکه مسئولیت فردی مجرمان نادیده گرفته شود. بنابراین، رعایت استانداردهای قانونی و اخلاقی در این موسسات امری ضروری است تا حقوق و سلامت افراد آسیب‌پذیر به طور کامل حفظ گردد و از تکرار رفتارهای خشونت‌آمیز جلوگیری شود.

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت کیفری موسسات و نهادهای مربوط به حوزه تربیت و تأدیب، بر اساس ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، شامل مجازات‌هایی مانند انحلال، مصادره اموال، ممنوعیت از فعالیت، جزای نقدی و انتشار حکم می‌شود. تحلیل این مجازات‌ها نشان می‌دهد که هر یک تأثیر متفاوتی بر عملکرد و فعالیت موسسات دارد.

انحلال موسسه، به‌عنوان یکی از شدیدترین مجازات‌ها، در موارد تخلفات جدی و مکرر، می‌تواند عملیات موسسه را متوقف و اعتماد عمومی را تضعیف کند؛ اما ممکن است در برخی موارد، به‌خصوص در موسسات تربیتی، منجر به از دست رفتن فرصت‌های اصلاح رویه‌ها شود و اثرات منفی بر نیازهای آموزشی و حمایتی افراد تحت سرپرستی داشته باشد.

مصادره اموال، مجازاتی قوی است که در صورت بهره‌برداری موسسه از منابع نامشروع، می‌تواند مالیات‌های مالی و اعتباری زیادی بر آن وارد کند؛ اما در موسسات آموزشی و نگهداری،

ممکن است به هزینه فعالیت‌های تربیتی و آموزشی منجر شود، که باید در سیاست‌گذاری‌ها به این نکته توجه نمود.

ممنوعیت از یک یا چند فعالیت، راه‌کار میانه و موثر است که به اصلاح رفتار موسسه کمک می‌کند بدون اینکه فعالیت کلی آن را متوقف سازد، و می‌تواند در مواردی اجرایی‌تر و سازنده‌تر باشد. جزای نقدی، به‌ویژه در موارد تخلفات خفیف‌تر، ابزار مهم و انعطاف‌پذیری است که در اصلاح رفتار موسسات نقش دارد و می‌تواند مؤثر در تشویق قانون‌گریزی و رعایت استانداردهای اخلاقی باشد.

انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها، علاوه بر فشار اجتماعی، راه‌کار موثری برای تنبیه و اصلاح رفتار موسسات است و موجب افزایش آگاهی عمومی درباره نقاط ضعف و تخلفات آن‌ها می‌شود. در مجموع، انتخاب مجازات مناسب باید با توجه به نوع و شدت تخلف، تأثیر احتمالی بر اصلاح و رفتار موسسه و همچنین حقوق افراد تحت سرپرستی صورت گیرد؛ مجازات‌هایی مانند ممنوعیت فعالیت و جزای نقدی بیشتر برای اصلاح و تربیت مؤثرند و در عین حال، مجازات‌هایی مانند انحلال و مصادره اموال ممکن است در موارد تخلف بسیار جدی، اما اثرات منفی بر خدمت‌رسانی و حقوق افراد، داشته باشند.

مبانی حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از تأدیب و تعزیر در مصر
مشکل تأدیب و تعزیر در مصر چندلایه است؛ والدین بر این باورند که تنبیه بدنی برای تربیت اجتماعی لازم است و این باور در طول نسل‌ها منتقل شده است (Kempe et al., 1985). مشکلات اقتصادی و استرس خانواده‌ها نیز آن‌ها را به استفاده از این شیوه‌ها سوق می‌دهد (Abdel-Latif et al., 2018). در حالی که قانون کودک در مصر اجرا می‌شود، آگاهی و پاسخگویی نسبت به حقوق کودکان کم است و نیازمند اصلاحات قانونی برای کاهش خشونت و ترویج تربیت مثبت است (Abdel-Fattah, 2020; Youssef et al., 1998). شناخت تأثیرات منفی شیوه‌های

نظام حقوقی کشور را برای برخورد عادلانه با موارد خشونت و سوء استفاده تقویت می‌سازد.

قانون مجازات مصر

قانون شماره ۵۸ سال ۱۹۳۷، که به قانون مجازات مصر معروف است، نقش مهمی در مسئولیت کیفری افراد در موارد تأدیب و تنبیه دارد. مطالعات نشان می‌دهد که کودکان، به‌ویژه در دبستان، بیشتر در معرض تنبیه بدنی قرار می‌گیرند و این مشکل در مناطق روستایی بیشتر دیده می‌شود (Abdel-Fattah, 2020). مادران بیشتر از آزار کلامی، و پدران و معلمان از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند، در حالی که عوامل متعددی والدین را به سمت روش‌های خشونت‌آمیز سوق می‌دهد. تنبیه در مصر اغلب به عنوان نوعی «متضاد نما» تلقی می‌شود و از سوی کسانی که محبت و اعتماد کودک نسبت به آن‌ها زیاد است، صورت می‌گیرد. متأسفانه، این رویکردها باعث می‌شود والدین خود به عنوان منابع خشونت عمل کنند، در حالی که هدفشان بهبود رفتار کودکان است، اما در نهایت منبع خشونت می‌شوند (Hillis et al., 2016). آمار نشان می‌دهد بیش از ۹۰٪ از کودکان مصری تجربیات تأدیب و تعزیر خشونت‌آمیز دارند، که این امر تأثیرات منفی بلندمدت مانند اختلالات روانی، مشکلات اجتماعی و افت تحصیلی دارد، و هزینه‌های اقتصادی سالانه حدود ۷ میلیارد دلار بر جامعه تحمیل می‌کند (Hillis et al., 2016). در نتیجه، دیدگاه نیک‌خواهانه بزرگترها درباره تأدیب ممکن است آسیب رسان باشد و نیازمند نظارت قانونی است. قانون مجازات مصر، که آخرین اصلاحات آن در ۲۰۲۱ صورت گرفته، جرم‌انگاری برخی موارد تأدیب و نگهداری خشونت‌آمیز است و مسئولیت کیفری برای مرتکبین در نظر گرفته است (Javan-Arasteh & Malek-Afzali, 2020).

مقایسه قانون مجازات مصر با قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که هر دو قانون، ارتکاب جرایم علیه

خشونت‌آمیز بر سلامت روان و جسم کودک، اهمیت تغییر نگرش و ساختارهای حمایتی را نشان می‌دهد (Kempe et al., 1985). مبانی حقوقی این مسئله در سیاست‌ها و قوانین ملی و حمایتی مصر تعیین شده است.

سیاست‌های ملی

در جمهوری عربی مصر، مسئولیت کیفری والدین، معلمان و مربیان در حوزه تربیت و نگهداری کودکان اهمیت بالایی دارد. سیاست‌های ملی از سال ۲۰۱۱ با تمرکز بر کاهش خشونت‌های تربیتی و ترویج آگاهی، استراتژی‌هایی مانند «نظام عدالة صديق للأطفال» را اجرا کرده‌اند. این سیاست‌ها بر مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال تربیت صحیح تأکید دارند، هرچند هنوز خلأهایی در اجرای کامل آن‌ها وجود دارد و نیاز به توجه بیشتر احساس می‌شود.

قانون اساسی

قانون اساسی مصر ۲۰۱۴ و اصلاحات سال ۲۰۱۹ حقوق و حیثیت انسانی را محافظت می‌کند و مبنای حقوقی مسئولیت کیفری در حوزه تأدیب و تعزیر است. اصل ۵۲ این قانون شکنجه را جرم و مشمول مرور زمان نمی‌داند و مسئولیت کیفری را برای هر عمل شکنجه جسمی یا روانی تأیید می‌کند. اصل ۵۳ نیز بر برابری همه شهروندان بدون تبعیض، در موارد صدمه بدنی در فرآیند تأدیب تأکید دارد و نظام حقوقی را ملزم به رفتار منصفانه با همه می‌داند. اصل ۸۰ قانون اساسی مصر تأکید می‌کند که کودک حق رشد عاطفی و شناختی دارد و دولت مسئول حفاظت از کودکان در برابر خشونت، سوء استفاده و بهره‌کشی است (Dolati, 2024). این اصل مبنای حقوقی قوی برای حمایت‌های قانونی و عملی از حقوق کودکان است و بر اهمیت ایجاد محیطی امن و حمایتی تأکید می‌کند. همچنین، اصول ۵۲ و ۵۳ در کنار این اصل، ممنوعیت شکنجه و برابری در برابر قانون را مشخص می‌کنند، که

آسیب جسمی به کودک، مجازات حبس و در صورت مرگ، مجازات قتل را در بر دارد (ماده ۲۸۵، ۲۸۶ و ۲۸۷).

قانون کودک

مشکل کودک‌آزاری و بدرفتاری در مصر تا اواخر دهه ۱۹۹۰ به طور جدی مطالعه نشده بود، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته این موضوع به طور گسترده‌ای شناخته شده بود (Haj-Yahia & Shor, 1995). بررسی‌ها نشان می‌دهد که خشونت علیه کودکان در قالب تأدیب، شامل جراحات و آسیب‌های فیزیکی و روانی، در مصر رایج است و تنبیه بدنی همچنان غیرقانونی نیست (Hesham & El-Hebal, 2021). این باور که تنبیه فیزیکی روش طبیعی و ضروری تربیت است، در فرهنگ مصر رایج است و ضرب‌المثل‌ها و باورهای مذهبی، مانند برداشت نادرست از حدیث پیامبر اسلام درباره تنبیه کودکان، این نگرش‌ها را تقویت می‌کنند. دانشگاه الأزهر تفسیر این حدیث را به «ضربه سبک» تعبیر می‌کند، ولی این تفسیر می‌تواند سوءتفاهم برانگیزد و منجر به سوءاستفاده شود (Swailam, 2022). همچنین، فشارهای خانوادگی و اجتماعی، به‌ویژه در موضوعاتی مانند ختنه زنان، نقش مهمی در پذیرش رفتارهای مضر و سنت‌های خشونت‌آمیز دارند، و انتقال خشونت بین نسلی یکی از چالش‌های جدی است که نیازمند برنامه‌های مداخله‌ای موثر برای کاهش آن می‌باشد.

یافته‌های اخیر نشان می‌دهند که بیش از ۸۰ درصد والدین ساکن در شهرهای قاهره، اسکندریه و اسیوط از قوانین مربوط به حقوق کودکان در مصر و بندهای حفاظتی آن غافل هستند، به‌ویژه در مناطق فقیرنشین و کم‌برخوردار (Swailam, 2022). قانون حقوق کودک مصر، مبنای مهمی در مسئولیت کیفری مرتبط با تأدیب و تعزیر است و شامل تعهد دولت برای تضمین حقوق و رفاه کودکان، پیشگیری از خشونت، تبعیض، استثمار، و ارتقای سلامت و آموزش آنان است. این قانون در مواد مختلف، حقوقی مانند زندگی، بقا، رشد، مراقبت‌های بهداشتی، برابری، عدم

تمامیت جسمانی افراد در تأدیب را جرم و مسئولیت کیفری می‌دانند. در مصر، ماده ۲۳۰ به مجازات قتل عمد، که اعدام است، اشاره دارد و در صورت ارتکاب این عمل برای تأدیب، مرتکب تحت پیگرد قرار می‌گیرد و در صورت اثبات عمد، اعدام صادر می‌شود. ماده ۲۳۴ نیز به قتل غیرعمد که در حین تأدیب صورت می‌گیرد، مجازات حبس ابد را مقرر کرده است، در حالی که ماده ۲۴۱ به مجازات ضرب و جرح، که ممکن است منجر به حبس شود، اشاره دارد. این قوانین بر جدیت و غیرقابل توجیه بودن هرگونه قتل و آسیب رسانی در بستر تأدیب تأکید دارند و هیچ توجیهی برای چنین اعمالی پذیرفته نیستند، و نشان می‌دهند که قانون مصر در حفاظت از سلامت و امنیت جسمانی کودکان و دانش‌آموزان سخت‌گیر است (ماده ۲۳۰، ۲۳۴ و ۲۴۱ قانون مجازات مصر).

قانون مجازات مصر برای توهین و اهانت متولیان تأدیب در برابر مخاطبان تأدیب، مسئولیت کیفری قائل شده است. در مواد ۱۷۱ و پس از آن، شیوه‌های اهانت و توهین، شامل گفتار، فریاد، نوشته، تصویر و هر روش دیگری، قابل تعقیب است؛ عمدتاً در حوزه تأدیب به صورت گفتاری و فحاشی رخ می‌دهد (قانون مجازات عمومی مصر، مواد ۱۷۱ و بعد). همچنین، قذف، یعنی نسبت دادن اتهامات نادرست و افترا، که می‌تواند به اعتبار فرد لطمه بزند، در قانون مصر گسترده‌تر از فقه است و شامل نسبت دادن رفتارهای غیر اخلاقی و دیگر جرایم نیز می‌شود، مخصوصاً زمانی که هدف تأدیب باشد. مسئولیت کیفری این اقدامات، حمایت قانونی از حقوق انسانی افراد در فرآیندهای تربیتی را نشان می‌دهد و ارتکاب آن‌ها، اقدامات غیر اخلاقی و کیفری محسوب می‌شود. علاوه بر این، مواد ۲۸۵، ۲۸۶ و ۲۸۷ مجازات، افراد بالغی را که کودکان را در معرض خطر قرار دهند، مجازات می‌کند؛ شامل حبس و جزای نقدی است. برای نمونه، رها کردن کودک در مکان متروکه یا شلوغ، در معرض خطر، مجازات حبس از دو سال، و وارد کردن

دهد، که این امر احساس امنیت و حمایت حقوقی را تقویت می‌کند.

ماده ۹۶ مشخص می‌کند که محیط خانگی یکی از محل‌های قرارگیری در معرض خطر است و در صورت وقوع آزار و خشونت، مجازات‌هایی مانند حبس حداقل ۶ ماه و جریمه نقدی برای مرتکبین در نظر گرفته شده است، که نقش بازدارنده دارد و نظام حمایتی قوی‌تری را شکل می‌دهد.

ماده ۹۸-BIS بر ضرورت واکنش سریع و مسئولیت فردی تأکید دارد؛ یعنی اگر کسی شاهد کودک در معرض خطر باشد، وظیفه دارد او را کمک کند و از خطر دور کند. این ماده ترویج فرهنگ پاسخگویی اجتماعی و همکاری در جهت حمایت از حقوق کودکان است که در نهایت، منجر به ایجاد شبکه مؤثر و فعال حمایت اجتماعی می‌شود.

مبانی حقوقی بین‌المللی

مسئولیت کیفری افرادی که در زمینه تنبیه و تأدیب از روش‌های مجرمانه مانند ضرب و جرح، حبس غیرقانونی و توهین استفاده می‌کنند، در سطح بین‌المللی با استفاده از تعدادی از معاهدات و اصول حقوق بشر قابل حمایت است. از منظر حقوق بین‌الملل «تأدیب و تعزیر به هر شکلی با حقوق کودک در تعارض است.» (Sadhvani et al., 2020) و تأدیب زوجه را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد. همچنین اسناد منطقه‌ای خاصی وجود دارد که رفتارهای خشونت آمیز در تأدیب را منع می‌کنند.

اسناد بین‌المللی

در قرن ۲۱، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به‌ویژه سازمان ملل، اصول ممنوعیت تنبیه بدنی و سوء استفاده از انسان‌ها را تأیید و تصویب کرده‌اند. این اسناد بر اهمیت احترام به کرامت انسانی، مسئولیت کیفری متخلفان و ضرورت جلوگیری از رفتارهای غیرانسانی در

تبعیض، حمایت ویژه از کودکان معلول و جلوگیری از کار کودک را تأکید می‌کند. به عنوان نمونه، ماده ۱، دولت را ملزم به تامین رفاه و حقوق کودکان بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌دارد، در حالی که ماده ۳ بر حق کودک برای حمایت از هر نوع خشونت، و ماده ۷۵ و ۷۶ بر حمایت ویژه از کودکان معلول و ادغام آنها در جامعه تأکید دارند. قوانین مجازات نیز، افرادی که در معرض خطر کودکان قرار می‌گیرند یا حقوق آنان را نادیده می‌گیرند، مجازات‌هایی از قبیل حبس و جریمه نقدی تعیین کرده‌اند، به‌طور خاص ماده ۹۶ و مواد مرتبط با نگهداری و مراقبت از کودکان (Heekes et al., 2022).

شورای ملی کودکی^۱ (یک سازمان دولتی) و «سازمان سلامت کودکان مصر»^۲ (یک سازمان غیر دولتی) اصلی‌ترین سازمان‌های فعال در زمینه حقوق کودکان هستند. این دو سازمان در ایجاد و پیگیری مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم علیه کودکان نقش مهمی بر عهده دارند.

قانون کودک مصر (شماره ۱۲۶/۲۰۰۸) یک چارچوب جامع جهت حمایت از حقوق کودکان و مقابله با خشونت و سوء استفاده است. این قانون بر نقش فعال دولت و جامعه در حفاظت، آگاهی‌بخشی و پیشگیری تأکید دارد. ماده ۳، دولت را موظف می‌کند تا از کودکان در برابر انواع خشونت، سوء استفاده‌های جسمی، ذهنی و جنسی و سهل‌انگاری محافظت کند و اقداماتی در جهت افزایش اطلاعات عمومی درباره این خطرات انجام دهد، هدف ایجاد فضایی امن و حمایتی برای کودکان است.

ماده (۷-BIS الف) نسبت به ممانعت از آسیب‌زدن عمدی به کودکان و اعمال مضر، تصریح می‌کند که هیچ فردی حق ندارد کودک را به صورت عمدی آسیب برساند. در صورت تخلف، کمیته حمایت از کودکان می‌تواند اقدام‌های قانونی لازم را انجام

² Safe the Children: Egypt

¹ The National Council of Childhood

سیستم‌های تربیتی و تأدیبی تاکید دارند، و هرگونه تنبیه آسیب‌زننده جسمی یا روانی را غیرقانونی می‌دانند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند که شکنجه و رفتار بی‌رحمانه و تحقیرآمیز توسط هیچ فردی مجاز نیست. ایران و مصر، هرچند به طور رسمی به این سند پیوسته‌اند، اما اصول آن در قوانین داخلی آن‌ها تأثیرگذار است. برای تضمین مسئولیت کیفری در برابر شکنجه و سوء استفاده، باید قوانین داخلی آن‌ها شامل تعریف روشن جرایم، مجازات‌های قوی و سازوکارهای قضایی مؤثر باشد تا به استانداردهای بین‌المللی پاسخ دهند و حقوق بشر را رعایت کنند.

کنوانسیون ضد شکنجه و سایر مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴)

کنوانسیون ضد شکنجه (۱۹۸۴) شکنجه را شامل هر عملی که باعث درد و رنج شدید جسمی یا روانی شود، تعریف می‌کند و در ماده ۲ تأکید می‌کند که هیچ استثنایی برای ممنوعیت آن وجود ندارد، حتی در زمان بحران. جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون پیوسته، اما اصول آن در قوانین داخلی کشور تأثیراتی دارد. در مقابل، مصر در سال ۱۹۸۶ به آن پیوسته و موظف است مجازات‌هایی برای شکنجه و رفتارهای غیرانسانی تعیین کند و سازوکارهای نظارتی ایجاد نماید، در حالی که ایران باید با اصلاح قوانین داخلی، اصول مشابهی را اجرا کند.

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

کنوانسیون حقوق کودک، بر ممنوعیت شکنجه و هر نوع رفتار بی‌رحمانه یا تحقیرآمیز علیه کودکان تأکید می‌کند و هر نوع تنبیه بدنی منجر به آسیب و روانی را منع می‌نماید. ایران در ۱۹۹۴ و مصر در ۱۹۹۰ آن را تصویب کرده‌اند و ملزم به اجرای مفاد آن هستند، هرچند ایران هنوز با چالش‌های فرهنگی و سنتی روبرو

است. کنوانسیون، مسئولیت کیفری برای ارتکاب به تنبیه‌های خشونت‌آمیز علیه کودکان را ضرورت می‌داند. برای حمایت از حقوق کودکان، کشورها باید قوانینی جرم‌انگاری تنبیه بدنی و رفتارهای غیرانسانی را تصویب و مجازات‌های مؤثر برای آن‌ها در نظر بگیرند. ایران و مصر، به عنوان امضاکنندگان کنوانسیون حقوق کودک، موظف به پیروی از اصول آن هستند و باید قوانینی برای مسئولیت کیفری مرتکبان تدوین کنند. این قوانین باید کنترل و پیشگیری از خشونت و سوء استفاده از کودکان را تضمین کرده و حقوق آن‌ها در محیط‌های خانواده و اجتماعی را حمایت کند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

«میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۱ در ماده ۷ به وضوح بر ممنوعیت شکنجه و هر گونه رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز تأکید دارد و جزئیات مربوط به احترام به حقوق فردی را تضمین می‌کند.

هر دو کشور ایران و مصر به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۷) پیوسته و مسئولیت دارند تا متخلفین از سفارشات این سند را مورد پیگرد قانونی قرار دهند. با این حال، به دلیل چالش‌های موجود در زمینه فرهنگ اجتماعی، اجرای قانونی و ضعف در نهادهای نظارتی، مسئولیت کیفری نسبت به مرتکبین تأدیب و تنبیه بدنی در هر دو کشور به‌طور مؤثر و کافی محقق نمی‌شود.

کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) بر ممنوعیت رفتارهای تحقیرآمیز و خشونت‌آمیز علیه زنان تأکید دارد و مسئولیت کیفری برای تعرض به حقوق فردی زن را مورد تأکید قرار می‌دهد. در ایران، هرچند قانون مدنی و حمایت‌های خانواده برخلاف تفسیرهای سنتی، رفتارهای خشونت‌آمیز و تحقیرآمیز را ممنوع کرده است، اما تفسیرهای فرهنگی و فقهی همچنان برخی

^۱ International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR):

است که قانوناً تنبیه بدنی را مجاز دانسته و تلاش‌ها برای ممنوعیت آن با مقاومت‌هایی در این کشور مواجه شده است.

اسناد خاص

برخی اسناد منطقه‌ای و خاص نیز وجود دارد که کشورهای مورد مطالعه با پیوستن به این اسناد منطقه‌ای تعهدات مندرج در آن‌ها را پذیرفته اند.

منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک^۱

منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک در سال ۱۹۹۰ تصویب شد و بر حفاظت، رفاه و حقوق بنیادین کودکان در قاره آفریقا تأکید دارد. مصر به این منشور پیوسته و متعهد به رعایت مفاد آن، از جمله حفاظت در برابر خشونت، رفتار غیر انسانی و آسیب‌های جسمی و روانی کودکان شده است. هرچند مصر اقداماتی برای حفاظت از حقوق کودکان انجام داده است، اما چالش‌هایی مانند فقر، فرهنگ سنتی و نقص در اجرای قوانین، مانع تحقق کامل این حقوق می‌شود. مهم‌ترین نیازها شامل تقویت نهادهای حمایتی، اصلاح قوانین و مبارزه با خشونت و سوءاستفاده است.

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت بر حمایت و کرامت آنان تأکید دارد و ماده ۱۶ آن به صورت خاص بر حقوق کودکان دارای معلولیت در مقابل استثمار، سوءاستفاده و خشونت تأکید می‌کند. در ایران، به رغم تصویب این کنوانسیون و وجود قوانین ملی، چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌ها، ناآگاهی و تبعیض فرهنگی مانع از اجرای کامل حقوق این کودکان می‌شود. در مصر، وجود قوانین و اقدامات حمایتی با مشکلاتی مانند ضعف در زیرساخت‌ها، تبعیض و وضعیت اقتصادی دشوار مواجه است که نیازمند اصلاح و تقویت است تا حقوق کودکان معلول به صورت مؤثر تامین شود.

نتیجه‌گیری

رفتارهای تأدیبی را مشروع می‌دانند. مصر پیوسته و متعهد به این کنوانسیون است، هرچند ضوابط و ملاحظات فرهنگی در آن وجود دارد. التزام قانونی و نیاز به اصلاحات جهت رعایت حقوق زنان، مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه است.

سند ۲۰۳۰

سازمان ملل متحد در برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ اهداف مشخصی برای حمایت از حقوق و رفاه کودکان و زنان تعیین کرده است. هدف ۵.۳ بر حذف آسیب‌رسان‌ها، هدف ۵ بر برابری و توانمندسازی زنان و دختران، و هدف ۱۶.۲ بر پایان دادن به سوءاستفاده، استثمار و خشونت علیه کودکان تأکید دارد. هر دو کشور ایران و مصر به این اهداف پیوسته و تعهداتی در زمینه مبارزه با خشونت و حمایت از حقوق کودکان و زنان پذیرفته‌اند، اما در اجرای آن‌ها چالش‌هایی دارند. سند ۲۰۳۰ بر اهمیت پیشگیری و مقابله با خشونت، تقویت مسئولیت کیفری و اصلاح قوانین تأکید می‌کند تا حمایت مؤثری از کودکان در برابر خشونت و سوءاستفاده صورت گیرد. گزارشی که به منظور حمایت از سند ۲۰۳۰ برای کودکان و پایان دادن به خشونت‌های قانونی شده علیه آن‌ها در تاریخ ۱۴ تا ۱۵ فوریه ۲۰۱۸ در استکهلم، سوئد تهیه شد، به‌طور خاص بر پیشرفت کشورها در زمینه ممنوعیت و حذف تنبیه بدنی کودکان تمرکز دارد. در این گزارش پیشرفت کشور مصر چندان قابل توجه نبوده است (Global Initiative to End

All Corporal Punishment of Children, 2018)

گزارش به‌طور مفصل وضعیت قانونی تنبیه بدنی کودکان در کشورهای مختلف را بررسی می‌کند و بر لزوم اتخاذ اقدامات سریع و موثری که به ممنوعیت کامل این نوع تنبیه منجر شود، تأکید می‌کند. با توجه به تعهدات کشورهای شرکت‌کننده، مشاهده می‌شود که برخی از کشورها هنوز موانع قانونی و فرهنگی متعددی در راستای اجرای این ممنوعیت دارند. مصر از جمله کشورهایی

^۱ ACRWC

حسب غیرقانونی را دارند، اما در موارد خاص، قوانین حمایت از کودکان در ایران و در قالب قانون کودک در مصر، به طور ویژه بر حقوق کودک تمرکز دارند. در مجموع، مبانی حقوقی این دو کشور در زمینه مسئولیت کیفری ناشی از تأدیب و تعزیر شباهت‌هایی دارد، اما تفاوت‌هایی در جزئیات و طیف حمایتی مشاهده می‌شود. برای بهبود نظام حقوقی ایران در حوزه تأدیب و تعزیر و مسئولیت کیفری ناشی از آن، پیشنهاد می‌شود: تصویب قانون صریح و مشخص جهت ممنوعیت هرگونه تنبیه بدنی کودکان، به‌خصوص در محیط‌های خانگی، و مجازات متخلفان. بازنگری و اصلاح ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی و هر مقرره‌ای که حق تأدیب والدین را مجاز می‌داند، با هدف حفظ حقوق کودکان و مجانین.

اصلاح ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی به‌گونه‌ای که معافیت پدر در قتل فرزند لغو و تأکید شود که هیچ‌کس حق ندارد جان فرزندش را عمدی بگیرد و در صورت ارتکاب مستلزم پیگرد قانونی باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The present research delves into the jurisprudential and legal foundations of criminal liability arising from *ta'dib* (disciplinary punishment) and *ta'zir* (discretionary punishment) within the legal frameworks of Iran and Egypt. The study aims to conduct a comparative analysis of criminal liabilities related to these concepts, examining their jurisprudential principles and the legal challenges they pose in both countries. The significance of this topic lies in its profound impact on human rights and the preservation of human dignity within judicial and educational processes. *Ta'dib* and *ta'zir*,

مسئولیت کیفری ناشی از تأدیب و تعزیر در فقه اسلامی بر مبنای قواعدی چون نفی ظلم، حرمت خون و ضمان استوار است. انجام تأدیب در حد متعارف و بدون آسیب به فرد مجاز است و هرگونه تجاوز، مسئولیت کیفری و مدنی دارد. در موارد گناهان صغیره، تأدیب جسمانی باید با احتیاط و رعایت حدود شرعی باشد، چون تجاوز به تمامیت جسمانی ممنوع است. اجرای تعزیر باید مطابق موازین شرعی باشد و در صورت عدم رعایت، مسئولیت پیدا می‌کند. دشواری‌های رعایت حدود شرعی و نیاز به دانش فقهی مناسب، از چالش‌های مهم است و اصل ممنوعیت تنبیه بدنی بر رعایت عدالت تأکید دارد. در مجموع، مسئولیت کیفری در تأدیب و تعزیر مبتنی بر رعایت حقوق و جلوگیری از ظلم است. در نظام حقوقی ایران، قانون اساسی و قوانین عادی، مسئولیت کیفری تأدیب و تعزیر را بر پایه اصول حقوق بشر و حمایت از حقوق فردی می‌دانند. قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، جرایم و رفتارهای آسیب‌زا را جرم‌انگاری کرده و رعایت اصول انسانی در تعیین تنبیه الزامی است. در مصر، قانون اساسی و قوانینی مانند قانون مجازات و قانون حمایت از حقوق کودکان، رفتارهای خشونت‌آمیز و آسیب‌زننده را منع می‌کنند و مسئولیت کیفری تأدیب‌کنندگان در این حوزه تأکید شده است. هر دو کشور، جرم‌انگاری جرایم علیه تمامیت جسمانی، توهین و

as corrective measures, can lead to criminal liabilities that necessitate thorough examination. The methodology employed is descriptive-analytical, relying on a review of library resources, scholarly articles, current laws, judicial rulings, and the opinions of legal scholars. The findings reveal both similarities and differences in the attribution of criminal liability for *ta'dib* and *ta'zir* in Iran and Egypt, with jurisprudential principles playing a pivotal role in shaping legal and ethical frameworks. The study concludes by proposing practical solutions to enhance oversight in justice administration and mitigate the negative consequences of these

practices, emphasizing the need for legal reforms in both countries. Notably, domestic disciplinary actions by parents currently do not entail criminal liability under existing laws, yet penal code revisions are deemed essential (Goldouzian, 2022a; Shahaneh & Seyyed Mohammad, 2003).

The jurisprudential foundations of criminal liability for *ta'dib* and *ta'zir* are rooted in Islamic legal principles, such as the prohibition of injustice (*nafi zulm*), the sanctity of blood (*hurmat dam*), and the rule of liability (*daman*). These principles underscore that any disciplinary action must remain within prescribed limits to avoid criminal liability. For instance, *ta'dib* is permissible only when it serves a corrective purpose and does not inflict undue harm. Exceeding these limits, such as causing physical injury or death, invokes liability under Islamic law, requiring compensation (*diyah*) or other penalties (Najafi, 1988; Sabzevari, 1991). The study highlights the complexity of applying these principles in modern legal systems, where cultural and social norms often influence their interpretation. For example, while *ta'dib* is traditionally viewed as a parental right, its excessive use can conflict with contemporary human rights standards, particularly in cases involving children or vulnerable groups. The research also explores the role of *ta'zir* in addressing minor offenses, noting that its application must align with Islamic ethical standards to avoid arbitrary punishment (Saramy, 2020; Tarbiati, 2011).

In Iran, the legal framework for *ta'dib* and *ta'zir* is deeply intertwined with Shia jurisprudence, as reflected in the Islamic Penal Code and the Constitution. Article 158 of the Islamic Penal Code permits disciplinary actions by parents or guardians, provided they do not result in physical harm, such as bruising or discoloration of the skin. However, any excessive or abusive measures can lead to

criminal liability, including *diyah* or prosecution (Goldouzian, 2022a). The study critiques the ambiguity in defining "reasonable limits" for *ta'dib*, which often leaves room for judicial discretion and potential abuse. The 2019 Law on the Protection of Children and Adolescents further narrows the scope of permissible disciplinary actions, criminalizing behaviors that harm children physically or psychologically. This law represents a shift toward aligning Iranian legislation with international human rights standards, though challenges remain in enforcement and cultural acceptance (Mir-Mohammad Sadeghi, 2021; Omid & Omid, 2023). The research also examines the liability of legal entities, such as educational or care institutions, under Article 20 of the Islamic Penal Code, which holds them accountable for abusive practices, with penalties ranging from fines to dissolution (Ahmadi-Moghaddam, 2018).

Egypt's legal system, influenced by Sunni jurisprudence and Western legal traditions, presents a contrasting approach to *ta'dib* and *ta'zir*. The Penal Code criminalizes excessive disciplinary actions, particularly those causing physical or psychological harm, with penalties including imprisonment or fines. The 2014 Constitution and subsequent amendments emphasize the protection of human dignity and the prohibition of torture, aligning with international human rights norms. However, the study identifies gaps in implementation, as societal attitudes often tolerate corporal punishment under the guise of discipline (Abdel-Fattah, 2020; Hesham & El-Hebal, 2021). The 2008 Child Law aims to safeguard children's rights, prohibiting violence and exploitation, yet enforcement remains inconsistent due to cultural and economic factors. The research highlights the role of organizations like the National Council for Childhood and Motherhood in promoting

child welfare, though their efforts are hampered by limited resources and public awareness (Heekes et al., 2022; Swailam, 2022). Comparative analysis reveals that while both countries criminalize abusive disciplinary practices, Egypt's legal framework is more influenced by international conventions, whereas Iran's system remains rooted in Islamic jurisprudence.

The study also explores the international legal dimensions of *ta'dib* and *ta'zir*, referencing conventions such as the Universal Declaration of Human Rights (UDHR), the Convention against Torture (CAT), and the Convention on the Rights of the Child (CRC). These instruments prohibit cruel, inhuman, or degrading treatment, including abusive disciplinary practices, and obligate states to criminalize such acts. Iran and Egypt, as signatories to some of these treaties, face challenges in harmonizing domestic laws with international standards. For instance, while Egypt has ratified the CRC and the African Charter on the Rights and Welfare of the Child (ACRWC), its enforcement mechanisms are often weak. Iran, despite not ratifying the CAT, has incorporated some human rights principles into its legal system, though conflicts with Islamic law persist (Global Initiative to End All Corporal Punishment of Children, 2018; Sadhwani et al., 2020). The research underscores the tension between cultural relativism and universal human rights norms, particularly in contexts where traditional practices are deeply entrenched.

In conclusion, the study underscores the need for legal reforms in both Iran and Egypt to address the ambiguities and gaps in their respective frameworks for *ta'dib* and *ta'zir*. It calls for clearer definitions of permissible disciplinary actions, enhanced protections for vulnerable groups, and stronger enforcement mechanisms to align domestic laws with international human rights standards. The findings highlight the delicate balance

between preserving cultural and religious traditions and upholding universal principles of justice and human dignity. By proposing actionable recommendations, the research contributes to ongoing debates about the intersection of Islamic jurisprudence, national law, and global human rights norms. The comparative approach offers valuable insights for policymakers, legal scholars, and human rights advocates seeking to reconcile these often competing imperatives.

References

- Abbasi-Kalimani, A. (2023). *Annotated Child and Adolescent Protection Law*. Yazda Legal Publishing.
- Abdel-Fattah, N. (2020). Determinants of severe physical disciplinary practices against children in Egypt. *Child Abuse and Neglect*, 111. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2020.104821>
- Abdel-Latif, A., Magdy, D., El-Sharkawy, K., William, M., & Magid, M. (2018). *Egypt SDS 2030: Between expectations and challenges to implement*. The Public Policy Hub.
- Aghaeinia, H., & Ebrahim, K. (2003). *Special Criminal Law: Crimes Against Physical Integrity (Felonies) Justification of Disciplinary Methods Towards Teachers: A Perspective* (Vol. 21). Mizan Publishing.
- Ahmadi-Moghaddam, M. (2018). *Comparative Study of Kidnapping and Illegal Detention Crimes in Iranian Criminal Law*.
- Ali-Akbaryan, H. A. (2016). The Role of Justice in Legislation in Islamic Governance. *Journal of Jurisprudence*, 1(78), 12-29.
- Amid Zanjani, A. (2019). *Constitutional Law: Including Constitutional Law 1 (Foundations), Constitutional Law 2 (Government Structure and Fundamental Institutions), and Constitutional Law 3 (People and Government)*. Khorsandi Publishing.
- Dolati, M. (2024). *Child and Adolescent Protection in International Criminal Law and the 2020 Child and Adolescent Protection Law with an Islamic Perspective*. Islamic Jurisprudence and Law Publishing.
- Faraj Al-Sidda, A. (1997). *Principles of Law*. Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Foroutan, Y., Moghadam, I., Dadashi Niaki, M., & Maqsoodi, R. (2020). Critique of Judicial Practice in Exercising the Wife's Right of Retention in Light of Jurisprudential Precedents. *Family Jurisprudence and Law*, 1(73), 189-218.
- Global Initiative to End All Corporal Punishment of Children. (2018). *Ending legalised violence against children by 2030: Progress towards*

prohibition and elimination of corporal punishment in Pathfinder countries.

- Goldouzian, I. (2022a). *Essentials of General Criminal Law (Aligned with New Curricula): Revised Based on the Islamic Penal Code (2013) and the Law on Reducing Discretionary Imprisonment Sentences (2020)*. Mizan Publishing.
- Goldouzian, I. (2022b). *General Criminal Law of Iran*. University of Tehran Publishing.
- Haj-Yahia, M., & Shor, R. (1995). Child maltreatment as perceived by Arab students of social science in The West Bank. *Child Abuse and Neglect*, 19(10), 1219-1209. [https://doi.org/10.1016/0145-2134\(95\)21304-5](https://doi.org/10.1016/0145-2134(95)21304-5)
- Hashemi, M. (2017). *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*. Dadgostar Publishing.
- Heekes, S. L., Kruger, C. B., Lester, S. N., & Ward, C. L. P. Y. (2022). A systematic review of corporal punishment in schools: Global prevalence and correlates. *Trauma, Violence, & Abuse*, 23(1), 52-72. <https://doi.org/10.1177/15248380211059329>
- Hesham, M., & El-Hebal, A. (2021). "Nabtet Misr": An application to report on cases of children at-risk.
- Hillis, S. W., Mercy, J. M., Amobi, A., & Kress, H. C. (2016). Global prevalence of past-year violence against children: A systematic review and minimum estimates. *Pediatrics*, 137(3). <https://doi.org/10.1542/peds.2015-4079>
- Hurr Ameli, M. b. H. (1989). *Detailed Wasa'il Al-Shi'a for Achieving Sharia Issues*. Al-Al-Bayt InstituteER -.
- Javan-Arasteh, H., & Malek-Afzali, M. (2020). *Constitutional Law 3: People and Government (Human Rights, Citizenship Rights, Democracy)*. Research Institute of Seminary and University.
- Kempe, C., Denver, M., Silverman, F., Cincinnati, M., Steele, B., Droegemueller, W., & Silver, H. (1985). The battered child syndrome. *Child Abuse and Neglect*, 9, 143-154. [https://doi.org/10.1016/0145-2134\(85\)90005-5](https://doi.org/10.1016/0145-2134(85)90005-5)
- Khomeini, S. R. (2020). *Tahrir Al-Wasilah Book of Marriage, Chapter on Division, Disobedience, and Discord, Discussion on Disobedience, Issue 1 (Vol. 2)*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mir-Mohammad Sadeghi, H. (2021). *Crimes Against Physical Integrity (With a Comparative Perspective)*. Mizan Publishing.
- Molaei-Onji, M. (2024). *Child Labor in Light of the Child and Adolescent Protection Law*. Arshadan Educational and Authoring Institute.
- Najafi, M. H. (1988). *Jawahir Al-Kalam fi Sharh Sharaye' Al-Islam*. Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Najafi Tavana, A. (2005). Age of Criminal Responsibility for Children in Domestic and International Legal RegulationsJO - Quarterly Journal of Humanities Studies (Law). (8), 95-121.
- Najafi Tavana, A. (2021). *Special Criminal Law: Crimes Against Physical Integrity*. Mizan Publishing.
- Nemroodi, A., & Khosrobigi, A. (2024). *Insult, Defamation, and Slander*. Moeid Mehr Publishing.
- Omidi, A., & Omidi, F. (2023). *Child and Adolescent Protection Law (Approved May 20, 2020 by the Islamic Consultative Assembly)*. Johar Hayat Publishing.
- Pourbafrani, H. (2022). *Special Criminal Law: Crimes Against Physical Integrity*. Shahre Danesh Legal Research Institute.
- Pourbafrani, H., & Kamran, S. (2022). *General Criminal Law: (Society's Reaction to Crime)*. University of Isfahan Publishing.
- Rezvani, S. (2010). *Analytical and Comparative Study of Crimes of Slander, Defamation, and Insult*. Farhang Sabz Publishing.
- Sabzevari, S. A. A.-A. I. (1991). *Muhadhab Al-Ahkam*. Comprehensive Software of Ahl Al-Bayt Jurisprudence, Islamic Sciences Computer Research Center.
- Sadhwani, A., Chhabra, S., Thevarcad, A. T., & Rani, J. S. (2020). Corporal Punishment and Child Right: A Comparative Study. *International Journal of Law Management & Humanities*, 3(6), 1270-1295.
- Saki, M. (2022). *Special Criminal Law: 'Four Books in One Volume': Crimes Against Property and Ownership, Public Interests, Physical Integrity, and Moral Personality*. Khorsandi Publishing.
- Saramy, S. (2020). The Jurisprudential Principle of Denying Oppression in the Holy Quran. *Islamic Jurisprudence and Law*, 3(12), 27-42.
- Sarlak, M. (2023). *Comparison of Child Crimes in Psychology and Sociology (Scandinavian Law)*. Shahrad Publishing.
- Shahaneh, S., & Seyyed Mohammad, A. (2003). *Islamic Law in the Middle East*. SAMT Publishing.
- Swailam, I. (2022). On positive parenting: Preventing disciplinary violence against children within Egyptian households.
- Tarbiati, H. (2011). The Tradition of Religious Sources in Combating Oppression. *Moballegghan Journal*, 141(1), 247-261.
- Teymouri, M. (2017). *Comparison of Illegal Detention and Kidnapping Crimes in Iranian Law*. Heltak Publishing.
- Yathib, Y. M. b. K. (2008). Guidelines for Islamic Discipline. *Education*, 1(78SP - 148), 171.
- Youssef, R. M., Attia, M. S., & Kamel, M. I. (1998). Children experiencing violence II: Prevalence and determinants of corporal punishment in schools. *Child abuse & neglect*, 22(9), 975-985. [https://doi.org/10.1016/S0145-2134\(98\)00084-2](https://doi.org/10.1016/S0145-2134(98)00084-2)